

کاشمیر

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

سه شنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و ششم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰ تومان

نور:

مزون نور

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم
شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز
سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴-میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲-۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲

nozhaa_collection

☎

📷

توسعه آشوراده
هیچ مانعی ندارد

اختلاف در
مثنوی شریف

هلدینگ خلیج فارس
زیر ذره بین

۲

۳

۳

یادداشت اول

روز زمین

با مسوولیت سردبیر

سوم اردیبهشت روز جهانی زمین است. زمین مادر همه موجودات زنده ای است که در آن زندگی می کنند، زمین منبعی بی نظیر از توانایی و زایش است و بدون آن جانداران امکان ماندگاری ندارند. زمین پایه اساسی محیط زیست است و حفظ و نگهداری آن برای انسانها بسیار پر اهمیت است، به همین خاطر سازمان ملل کوشیده است تا با جهانی کردن این نام تلاش نماید تا با روشنگری و آگاهی بخشی وظیفه شهروندان را درباره اهمیت زمین به آنها یادآوری نماید. زمین یعنی خاک، آب، درخت، هوا و همه آنچه ما برای زیستن به آن محتاجیم، بنابر این باید همه مراقب و مواظب چنین پدیده ی ارزشمندی باشیم و نگذاریم زمینی که به نسل ما رسیده است تباه شود، درختان آن را ریشه کن نکنیم، خاک آن را فرسایش ندهیم، آب وهوای آن را آلوده نکنیم وبگذاریم این مادر پیر و توانا نفسی راحت از دست ما فرزندانش بکشد. این وظیفه ای است همگانی و عمومی و باید برای ارتقای سطح فهم انسانها در برخورد با محیط زیست تلاش کرد. نباید آلاینده ها را هر روز در وجود زمین تزریق کرد و نفس خاک و جنگل ها را بند آورد این مساله البته وظیفه کلانی است که بر عهده حاکمیت و کارگزاران است و باید همواره به آن توجه داشته باشند. برای نمونه در گلستان مراقبت از جنگل های پنجاه میلیون ساله هیرکانی که به تعبیر صاحب نظران فسیل های زنده بر آمده از عصر یخبندان هستند یک وظیفه همگانی است. آیا نیلکوه ارثی نیست که از گذشتگان به ما رسیده است و نباید آن را حفاظت کنیم، آیا کسی هست به سوالات شهروندان درباره وضعیت محیط زیستی کانسار خزر پاسخ دهد و افکار عمومی را قانع نماید؟ آیا هنوز هم می خواهیم ناکارآمدی و ناتوانی خود در مدیریت ها را با احداث فلان پروژه در دل جنگل و تخریب جنگل های هیرکانی بهوشانیم ؟و قیافه ای حق به جانب به خود بگیریم؟ امید که ساز و کارها به گونه ای سامان یابد که درختان، آبها و خاک این سرزمین مقدس از دست ما در امان بماند تا بیش از این شرمندانه فرزندانمان نشویم.

گلستان در قعر جدول
تخت های بیمارستانی

کارگروه صدای مردم
در گلستان کلید خورد

بچه های شیطان
یا خط خطی؟

« ۸ »

« ۷ »

« ۴ »

تشنگی در بهار



حساسیت و اهمیت مساله آب در گلستان توجه دهند. همچنین تسريع در اجرای طرح های اضطراری تامین آب، مانند حفر و تجهیز چاه های جدید و استفاده از تانکرهای سیار آبرسانی برای مناطق بحرانی راهکاری مسکن است. بررسی امکان انتقال آب از سایر منابع آبی مجاور را نیز می توان در شرایط بحرانی مدنظر قرار داد. در بخش مدیریت مصرف آب هر اندازه تلاش صورت پذیرد باز هم ضرورت آن احساس می شود، بنابراین اجرای برنامه های اطلاع رسانی و آگاه سازی عمومی برای کاهش مصارف غیرضروری آب باید به صورت مستمر انجام شود و اطلاع رسانی های گاه به گاه کاری از پیش نخواهد برد. مدیریت مصرف آب مثل بستن کمر بند ایمنی باید تبدیل به یک فرهنگ شود. گذشته از اینها وقتی تا این اندازه در تامین آب شرب در مضيقه ایم، باید محدودیت های مصرف برای صنایع و واحدهای تولیدی پرمصرف اعمال شود. اکنون آغازین روزهای اردیبهشت و فصل بهار است و قطعی آب گریبانگیرمان شده است. با این وضعیت، تابستان از آنچه مسوولان هشدار می دادند فاجعه بارتر به نظر می رسد پس از همین اتلک فرصت نیز باید بیشترین بهره را برد.

فاطمه سراوانی –آنگونه که در خبرها آمده بود شوربختانه وضعیت تامین آب شرب در شهرهای گرگان و گنبدکاووس در شرایط بحرانی قرار دارد. قطعی های مکرر آب، که در برخی مناطق به بیش از ۱۰ ساعت در شبانه روز می رسد، مشکلات جدی برای شهروندان ایجاد کرده و ضرورت اتخاذ تدابیر فوری و کارآمد را ایجاب می کند. البته دلایل متعددی برای چنین وضعیتی وجود داشته و دارد. خشکسالی های پی درپی و کاهش بارندگی ها منجر به کاهش سطح آب های زیرزمینی و منابع سطحی تامین آب شرب شده است. و از سوی دیگر افزایش جمعیت و مصارف غیرضروری آب در بخش های مختلف (خانگی، صنعتی، کشاورزی) فشار مضاعفی بر منابع موجود وارد کرده است. شبکه های انتقال و توزیع آب فرسوده و دارای نشتی های متعدد هستند که باعث هادر رفت حجم قابل توجهی از آب می شود. ضمن اینکه عدم برنامه ریزی صحیح و مدیریت بهینه منابع آبی موجود، وضعیت را تشدید کرده است. بنابرین مجموعه ای از نارسایی ها و اشکالات در طول سالهای طولانی زمینه بروز چنین بحرانی را فراهم آورده است به این خاطر به نظر می رسد ستاد بحران آب

می شود که ارزش شیرین سازی این حجم آب حدود ۲۲۰ میلیون تومان می باشد. با این توصیف آیا بهتر نیست بجای هزینه کردن ۲۲۰ میلیون تومان برای شیرین سازی ۱۰۰۰۰ مترمکعب آب، بخشی از این هزینه به کشاورزان دارای چاه مجاز در مناطق دارای آب کیفی بابت رعایت الگوی کشت پرداخت شود تا ضمن ذخیره آب از خسارات فرونشست زمین و بیابانی شدن بیشتر استان پیشگیری شود. لازم به ذکر است اگر با استفاده از کار فرهنگی، اطلاع رسانی و پرداخت مشوق های مالی فقط ۱۰درصد معادل ۶۰۰۰ هکتار از سطح زیر کشت برنج از چاه های مجاز مدیریت شده کاسته شود حدود ۶۰ میلیون متر مکعب آب صرفه جویی خواهد شد که برای شیرین سازی این حجم آب به قیمت فعلی حدود ۱۳۲۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است که پیش بینی می شود با پرداخت حدود ۲۵ درصد این مبلغ به عنوان مشوق مالی و استفاده از ظرفیتهای قانونی برای مدیریت منابع آب این هدف محقق خواهد شد.

مدیرکل اسبق منابع طبیعی گلستان

علی رغم اینکه در سفر اعضای کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی به استان گلستان تمام مسوولین به اتفاق ، بحران آب را از مشکلات اساسی استان مطرح کردند، ولی به مصوبه هیات دولت در خصوص ممنوعیت کشت برنج در استان و حمایت فنی و اعتباری لازم از کشاورزان و ارائه الگوی کشت مناسب با هلف مدیریت بحران آب خوب پرداخته نشده است. عدم حمایت های پیش بینی شده در مصوبه هیات دولت از کشاورزان در موضوع ممنوعیت کشت برنج در استان باعث گردید تا در سال گذشته حدود ۶۰ هزار هکتار در استان دچار بحران آبی، برنج با مصرف آب حدود ۱۵۰۰۰مترمکعب در هکتار کشت شود، این یعنی تنها یک محصول با نیاز آبی بالا بیش از ۵۰ درصد پتانسیل آبی استان را مصرف می کند و این در حالی است که با حمایت های مالی و فنی پیش بینی شده در قانون و کشت پنبه، سویا و... متناسب با شرایط اقلیمی و ادافیکی گلستان (شرایط فیزیکی و شیمیایی خاک) به جای برنج، در هر هکتار حدود ۱۰۰۰۰ مترمکعب در مصرف آب صرفه جویی

پیشنهادی برای
کشاورزی وآب

ابوطالب قزلسفلو

توسعه آشوراده هیچ مانعی ندارد



است و بررسی‌ها نشان می‌دهد طرح گردشگری جزیره آشوراده از لحاظ مدیریتی پیشرفت نکرده است.

مشکل گلستان در توزیع آب است نه تولید آن

ایری با بیان اینکه در زمینه تولید آب افزایش چاه‌های عمیق در دستور کار قرار گرفت اما در زمینه توزیع آب همچنان با مشکل مواجه هستیم، خاطرنشان کرد: گلستان در سال‌های قبل در زمینه تولید آب مشکل داشت اما اکنون آب دارد و مشکل استان در توزیع آب است. وی وعده داد امسال و سال آینده در زمینه توزیع آب و سپس شیرین‌سازی آب دریای خزر پیگیری‌های لازم در استان انجام شود.

شیرین‌سازی آب خزر پاسخگوی نیاز گلستان نیست

نماینده مردم غرب گلستان در مجلس شورای اسلامی توضیح داد که مجوز شیرین‌سازی آب دریای خزر برای ۱۵ هزار مترمکعب آب است که عدد قابل ملاحظه‌ای نیست و با اجرای این پروژه در وضع موجود شاید بتوان کمبودهای خود در شرایط بحران را رفع کنیم اما اجرای کامل این پروژه با توجه به مصوبات موجود، شیرین‌سازی ۴۹ هزار مترمکعب آب است که این میزان هم پاسخگوی نیاز استان گلستان نیست. ایری ادامه داد: در فاز اول شاید بتوان با شیرین‌سازی ۱۵ هزار مترمکعب، آب حوزه غرب گلستان را تامین کنیم اما اگر در فاز بعدی اولویت استان آق‌قلا و گرگان باشد باید بر مبنای کمبود هزار لی‌تر بر ثانیه برنامه‌ریزی انجام شود که عدد قابل توجهی خواهد شد.

اشتغال تولید نفت و گاز در گلستان وجود دارد، تصریح کرد: اکتشاف میدان نفتی هیرکان و هم گاز در گمیشان به نتیجه رسید و تلاش ما تقویت سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در این زمینه است. اگر گلستان در زمینه تولید نفت و گاز سرمایه‌گذاری کند نیاز گازی خود به دیگر کشورها از جمله کشور ترکمنستان را برطرف می‌کند. نماینده مردم غرب گلستان در مجلس شورای اسلامی فقدان سرمایه‌گذاری در زیرساخت را بزرگترین مشکل گلستان برشمرد و افزود: عدم سرمایه‌گذاری در تولید و توزیع آب و برق و جاده‌های دسترسی از مشکلات گلستان است که ما برای رفع این مشکلات و در زمینه آب برنامه‌ریزی لازم را خواهیم داشت. ایری افزود: گلستان با وجود پتانسیل‌ها و قابلیت‌های فراوان، همچون دیگر نقاط کشور در زمینه جذب سرمایه‌گذار موفق نبود و نتوانست پتانسیل‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی را فراهم کند که این مساله نیازمند آسیب‌شناسی است. وی به آخرین وضعیت طرح گردشگری آشوراده اشاره کرد و یادآور شد: آشوراده هیچ مانع حقوقی و محیط زیستی ندارد و همه چالش‌ها و مسائل آن که نیاز به تصویب در زمینه‌های مختلف قانونی دارد حل شده و در حال حاضر بسترهای لازم برای حضور سرمایه‌گذار فراهم است. نماینده مردم غرب گلستان در مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: تنها مرجعی که باید طرح گردشگری جزیره آشوراده را تکان دهد استانداری

نماینده مردم غرب گلستان در مجلس شورای اسلامی گفت: فقدان سرمایه‌گذاری در تمام زمینه‌ها، تولید بیکاری و ایجاد اشتغال را در کشور ناکام گذاشته که یکی از راه‌های رونق اقتصادی گلستان اجرای طرح گردشگری آشوراده است که انجام آن هیچ مانع حقوقی و زیست محیطی ندارد. به گزارش ایرنا، عبدالجلال ایری اظهار کرد: تا زمانی که بسترهای اشتغال در حوزه‌های مختلف جنگل، دریا، ساحل و کشاورزی و دامداری فراهم نشود اتفاق خاصی در حوزه اشتغال رخ نمی‌دهد. نماینده مردم غرب گلستان در مجلس شورای اسلامی نسبت به نابودی دامداری سنتی به ویژه در روستاهای گلستان هشدار داد و تاکید کرد: همه این اتفاقات در فقدان برنامه‌ریزی انجام شده و با حذف ارز ترجیحی قیمت نهاده‌های دامی چند برابر شده و با این اقدام خودمان به عامل تولید بیکاری تبدیل شدیم. از سویی دیگر افول مجموعه‌های گردشگری در سواحل استان و نبود اقدام عملی در جزیره آشوراده، خلیج گرگان و امثال آن بیش از پیش بر مشکل اشتغال استان دامن زده است. ایری با اشاره به اینکه فقدان سرمایه‌گذاری در تمام زمینه‌ها، گلستان را در زمینه تولید بیکاری موفق و در تولید اشتغال ناکام گذاشته است، تاکید کرد: هیچ دستگاه اجرایی برای ایجاد اشتغال برنامه منسجم ندارد که در سال سرمایه‌گذاری برای تولید باید بستر اشتغال توسط بخش خصوصی و تعاونی ایجاد شود اما تا زمانی که این بسترها ایجاد نشود، نمی‌توان ادعا کرد که شغل ایجاد شده است. وی با بیان اینکه بسترهای



خبر

نیروگاه‌های گلستان سرمایه‌گذار می‌خواهند



مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای مازندران و گلستان گفت: برای احداث نیروگاه‌های هزار مگاواتی مینودشت و کردکوی و هزار مگاواتی شهرک صنعتی اترک، مکان‌یابی شده و این پروژه‌ها با جذب سرمایه‌گذار خصوصی، در فاز اول ۵۰۰ مگاوات از هر نیروگاه را وارد مدار خواهند کرد. به گزارش روابط عمومی، کوروش موسوی تاکامی اظهار کرد: با اجرای این پروژه‌ها، نه تنها نیاز ۱۶۰۰ مگاواتی اوج مصرف گلستان تأمین خواهد شد، بلکه مازندران و گلستان به صادرکننده برق تبدیل می‌شوند. وی افزود: با تأمین گاز مورد نیاز و همکاری شرکت گاز، می‌توانیم نیروگاه‌ها را در نقاط استراتژیک ساخته و پایداری شبکه را تضمین کنیم. موسوی تاکامی اعلام کرد: با اجرای پروژه‌های متعدد، حدود سه هزار و ۵۰۰ مگاوات به ظرفیت تولید برق منطقه اضافه خواهد شد. مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای مازندران و گلستان ادامه داد: نیروگاه علی‌آباد کنول با ۶ واحد گازی (حدود هزار مگاوات) و سه واحد بخار (حدود ۵۰۰ مگاوات) در حال توسعه است و قرار است تا دو سال آینده وارد مدار شود. وی گفت: همچنین، نیروگاه‌های تولید پرکنده در ۴۰ نقطه با ظرفیت هر کدام ۲۵ مگاوات، و در مجموع هزار مگاوات به شبکه اضافه خواهند کرد. مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای مازندران و گلستان از برنامه‌ریزی برای احداث چهار هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی در مناطق گمیشان، اترک، گنبد و مراوه‌تپه خبر داد و گفت: این مناطق به دلیل شدت تابش بالا و روزهایی ابری کمتر، برای تولید انرژی خورشیدی ایده‌آل هستند. موسوی تاکامی از جذب سرمایه‌گذار برای احداث نیروگاه‌های ۲۵ مگاواتی در گنبد و گمیشان خبر داد و گفت: در گنبد، با تأیید وزارت صمت، تجهیزات نیروگاهی از امارات وارد خواهد شد و در گمیشان، شرکت کانسار خزر مجوز احداث نیروگاه ۲۵ مگاواتی را دریافت کرده است. به گفته وی با دستور وزیر نیرو، خط تبدیلی بین ترکمنستان و پست ۴۰۰ کیلوولت آزادشهر تقویت می‌شود و این پروژه در مراحل گوناگون تا هزار کیلوولت ارتقا خواهد یافت و امکان ترانزیت پنج هزار مگاوات برق به قزاقستان، روسیه و ترکیه را فراهم خواهد کرد.

گلستان پیشتاز در تامین

امنیت غذایی کشور

کار قرار گرفت. وی همچنین از راه‌اندازی کارخانه تولید کود فسفات در استان به عنوان اولویت دیگر مطرح شد. سنگلونی خاطرنشان کرد: احیای خلیج گرگان، توسعه طرح پرورش ماهی در قفس و تخصیص اعتبارات برای اجرای این پروژه‌ها از موارد مهمی بود که مورد توافق قرار گرفت. همچنین، در جلسه‌ای مقرر شد ۴۰۰ میلیارد تومان برای احیای اراضی پایین‌دست سد بهارستان رامیان اختصاص یابد. وی از تصمیمات جدید برای تسریع در اجرای سد بهارستان خبر داد و افزود: در این سفر، پیگیری تأمین اعتبار برای تسریع در احداث این سد نیز مطرح شد. سنگلونی به مسائل زیست‌محیطی تالاب‌های آلاکل، آلماکل و آجی‌گل اشاره کرد و گفت: وضعیت این تالاب‌ها نگران‌کننده است و قرار شد با پیگیری کمیسیون کشاورزی، اقدامات لازم برای احیای آنها انجام شود. وی همچنین گفت: در حوزه گردشگری، احداث تله‌کابین گرگان به علی‌آباد به‌عنوان یکی از مطالبات جلی مردم مطرح شد که قرار شد با کمک استانداری، گره‌های آن باز شود. نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس شورای اسلامی در پایان گفت: در حوزه آبخیزداری، آبخیزداری و جاده‌های بین مزارع، حدود سه هزار میلیارد تومان اعتبار پیش‌بینی شده که باید در اولویت اجرا قرار گیرد تا زیرساخت‌های کشاورزی استان تقویت شود.

نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس شورای اسلامی گفت: گلستان ۱۲ درصد امنیت غذایی کشور را تأمین می‌کند. به گزارش روابط عمومی، رمضانعلی سنگلونی با تاکید بر اهمیت راهبردی گلستان در تأمین امنیت غذایی کشور افزود: حدود ۱۲ درصد امنیت غذایی کشور بر دوش استان گلستان است. ما تنها در حوزه تولید مرغ، ۱۱.۳ درصد از تولید کشور را به خود اختصاص داده‌ایم و در زمینه محصولات استراتژیک مانند گندم، جو، کلزا، برنج، میوه‌جات و آبی‌پروری نیز نقش بسیار مهمی داریم. نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: یکی از دغدغه‌های جدی کشاورزان، موضوع پرداخت به‌موقع مطالبات آنان به‌ویژه در زمینه خرید گندم، جو و کلزا بود. سال گذشته کشاورزان ما در این زمینه اذیت شدند و امسال مقرر شد این مشکل با جدیت پیگیری شود. وی ادامه داد: قیمت‌گذاری منصفانه برای گندم استان، به‌ویژه با توجه به کیفیت محصول تولیدی گلستان، یکی دیگر از مطالبات اصلی مطرح‌شده در این سفر بود که مقرر شد در کمیسیون به صورت ویژه بررسی شود. سنگلونی با اشاره به بازدید اعضای کمیسیون از سایت پرورش میگو در گمیشان گفت: موضوع برق‌رسانی و تکمیل زیرساخت‌های این پروژه به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های بی‌نظیر استان در دستور

کشمهر

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵



هلدينگ خلیج فارس زیر ذره بین



رییس کل دادگستری گلستان از گام‌های بزرگ قضایی برای احیای پروژه پتروشیمی گلستان خبر داد و تأکید کرد: هلدینگ خلیج فارس با تعهد حقوقی، موظف به پیشبرد این پروژه عظیم است و نمی‌تواند از مسئولیت خود شانه خالی کند. به گزارش روابط عمومی، حیدر آسیابی در دیدار با اهالی شهرک حافظ گرگان، با اشاره به سال‌ها بلاتکلیفی پروژه پتروشیمی گلستان اظهار کرد: مجازات کیفری مدیران متخلف، ساده‌ترین راه بود، اما با اخذ اختیارات ویژه از رئیس قوه قضاییه، مسیر دشوار احیای پروژه را برگزیدیم تا این طرح به موتور محرکه اقتصاد استان تبدیل شود. وی افزود: پس از بررسی‌های دقیق حقوقی و پیگیری‌های بی‌وقفه، این پروژه به هلدینگ خلیج فارس، یکی از توانمندترین مجموعه‌های کشور از نظر مالی و فنی، واگذار شد. رییس کل دادگستری گلستان بیان کرد: این هلدینگ متعهد است و دادگستری گلستان وظایف حقوقی خود را به‌طور کامل انجام داده است و در این شرایط، مسئولان استانی و نمایندگان مجلس باید اجرای تعهدات را با جدیت دنبال کنند. آسیابی با اشاره به تحول مالی پروژه گفت: پیش از ورود هلدینگ خلیج فارس، سرمایه نقدی پتروشیمی گلستان ۴۷ میلیارد تومان بود، اما اکنون با تزریق ۵۰۰ میلیارد تومان، سرمایه نقدی این پروژه به حدود ۵۵۰ میلیارد تومان رسیده است. وی تأکید کرد: این پروژه نه تنها یک فرصت طلایی برای رونق اقتصادی استان است، بلکه می‌تواند با ایجاد بیش از ۶ هزار فرصت شغلی، تحولی بزرگ در منطقه رقم بزند. رییس کل دادگستری گلستان با اشاره به انبوه مشکلات مزمن استان، از جمله پروژه‌های نیمه‌تمام مانند آشوراده و سد نرمام، گفت: دادگستری گلستان با ورود جدی به این مسائل، برخی از این چالش‌ها را به سرانجام رسانده و همچنان پیگیر تحقق عدالت و توازن در خدمات عمومی است. آسیابی با شنیدن دغدغه‌های مردم شهرک حافظ، قول داد که این مسائل در قالب پرونده‌های حقوق عامه با جدیت پیگیری شود تا گامی دیگر در مسیر رفع محرومیت‌های منطقه برداشته شود.

است. در آن جهان اثری از اضداد نیست چرا که اضداد موجب نابودی و تلاشی یکدیگر می‌شوند. در حالی که بهشت سرای بقا و جاودانگی است.

این تقاضای از ضد آید ضد را چون نباشد ضد نبود جز بقا فانی کردن‌های متقابل از اضداد ناشی می‌شود. پس هرگاه ضدی در میان نباشد چیزی جز بقا و جاودانگی وجود نخواهد داشت. از اینجا معلوم می‌شود که جهان آخرت از عناصر این جهانی تشکیل نیافته است و انهار و اشجار بهشت از جنس دنیوی نیست والا در معرض فساد و تباهی قرار خواهد گرفت و این با خلود نعیم آن جهان سازگاری ندارد.

نفی ضد کرد از بهشت آن بی نظیر که نباشد شمس و ضدش زمهریر خداوند بی نظیر بهشت را بر اضداد استوار نکرد و عناصر متضاد را در آن دخالت نداد. زمستان و تابستان را در چرخه قرار نداده بنابراین در بهشت آرامش و وحدت بی‌رنگی و ثبات و آسایش حاکم است. آری خداوند بی همتا وجود اضداد را در بهشت نفی کرده و فرموده است که در بهشت نه از خورشید خبری است و نه از سرمای سخت (اشاره به آیه ۱۳ سوره دهر- انسان- است که آمده: ...نبینند در بهشت خورشیدی و نه سرمای سوزانی. حالا چرا انسان در این دنیا دچار اضداد مختلف است. بخاطر وجود عناصر اربعه است که اصل است و بر زندگی آدمی سلطه پیدا کرده است.

ز آنکه ما فرعییم و چار اضداد اصل خوی خود در فرع کرد ایجاد اصل به جهت آنکه ما فرع هستیم و عناصر اربعه اصل. اصل اثر و خوی خودش را بر فرع تحمیل می‌نماید. بنابراین سبب و تضادی که انسان باخود و دیگری دارد این است که جهان طبیعت بر عناصر متضاد بی افکنده شده است و چون ما جزئی از طبیعت محسوب می‌شویم، بدیهی است که اصل تضاد بر ما نیز حکم می‌راند. البته حاکمیت اصل تضاد بر جنبه طبیعی انسان جاری است نه بر جنبه ماوراء طبیعی او، ولی در بهشت اساس بر تضاد استوار نشده است و بهشتیان در آرامش ابدی زندگی جاودانه دارند.

مثنوی پژوه

جهان حاکم است بلکه بر فعالیت‌های روانی انسان نیز سیطره دارد. چنانکه مثلاً حالت شادی و غم، امن و خوف، فقر و غنا مغایر یکدیگرند و هر کدام آثار و تبعاتی به همراه دارد.

چونکه هر دم راه خود را می‌زنم با دگر کس سازگاری چون کنم؟

وقتی من در هر لحظه با خود می‌ستیزم و در جنگ و جدال درونی هستم چگونه می‌توانم با دیگری در صلح و آشتی باشم؟ می‌نگرد در خور چنین جنگ گران

پس چه مشغولی به جنگ دیگران؟

وقتی در درون خودت چنین جنگ هولناکی وجود دارد و در کشاکش دائمی هستی، پس چرا باز به جنگ با دیگران می‌پردازی و در دو جبهه می‌جنگی؟ تو در خود گرفتار احوال متضاد مختلفی هستی. درون تو عرصه پیکار روانی است. گاه بر این حالی و گاه بر آن حال، هیچگونه ثبات روحی نداری. تو باین اوصاف چگونه می‌توانی بر جنگ‌ها و چالش‌های خود با دیگران پیروز شوی. پس ابتدا جنگ درونی خود را فرو نشان و آنگاه به فرو نشانیدن آتش جنگ‌های بیرونی مبادرت کن. به عبارتی ابتداء نفس خود را اصلاح کن و سپس به اصلاح دیگران بپرداز.

جهان صلح کجاست؟
یا مگر زین جنگ، حقت و آخرت
در جهان صلح یک رنگت بَرَد

شاید حضرت حق تو را از این جنگ درونی هولناک دائمی نجات دهد و به جهان صلح و بی‌رنگی که ثبات و آرامش در آن است، ببرد.

یعنی تو خود منفرداً و به تنهایی نمی‌توانی بر تضادهای درونی و روانی غالب آیی مگر به مدد و لطف حضرت حق. ای سالک حقیقت تنها با عنایات ربانی می‌توانی خود را از چرخه اضداد برهانی و از جنگ به صلح و فراق به وصال برسی.

آن جهان جز باقی و آباد نیست
ز آنکه آن ترکیب از اضداد نیست

آن جهان یعنی بهشت، جهان بقا و عمران و ثبات و آرامش است، زیرا بافت و ساخت آن از اضداد تشکیل نشده است. برای همین است که یکی از نام‌های قرآنی بهشت دارالسلام



اختلاف در مثنوی شریف



محمد رضا یزد

هست احوال خلاف همدگر
هر یکی با هم مخالف در اثر
احوال درونی من نیز مختلف است و یکسان و یک جور نیست، چنانکه آثار این احوال درونی من نیز با یکدیگر اختلاف دارند. اینگونه نیست که همواره شاد باشیم یا همیشه غمناک، بلکه غم و شادی در جنگ‌اند و گاهی این و گاهی آن بر من حاکم می‌شوند و هر بار که یکی از ایندو حاکم می‌شود، اثر آن نیز با دیگری مختلف است. بنابراین اصل تضاد نه تنها بر عناصر و پدیده‌هایی

تله کابین گلستان در انتظار تصمیم گیری



یکی از محورهای اصلی این نشست‌ها، پروژه تله کابین بود. کیانمهر با انتقاد از محرومیت گلستان از این فرصت توسعه‌ای، پرسید: چرا استان‌های همجوار چندین تله کابین دارند، اما گلستان همچنان از این ظرفیت محروم است؟ وی

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان، از برنامه‌ریزی برای برگزاری نشست‌های کلیدی در تهران با حضور استاندار، اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس و مدیران ستادی خبر داد و گفت: هدف این نشست، پیگیری مصوبات سفر اخیر کمیسیون کشاورزی به گلستان و تصمیم‌گیری نهایی درباره پروژه‌های استراتژیک از جمله تله کابین است. به گزارش روابط عمومی، عبدالعلی کیانمهر حضور اعضای کمیسیون کشاورزی در گلستان را فرصتی بی‌نظیر برای بیان دغدغه‌های این استان دانست و گفت: باز دیدهای فشرده و جلسات برگزار شده در این سفر، زمینه‌ساز شناخت دقیق‌تر ظرفیت‌ها و چالش‌های کشاورزی گلستان شد. وی از شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی به‌عنوان نقطه عطفی در این سفر یاد کرد که مصوبات مؤثری برای توسعه استان به همراه داشت.

آگهی برگزاری انتخابات اتحادیه صنعی کشاورزی

همگن ۱ و ۲ شهرستان
مرکز استان (گرگان)

به اطلاع اعضای محترم اتحادیه صنفی کارهای کشاورزی همگن یک شامل رشته های (زراعت- باغبانی- منابع طبیعی) و همگن دو شامل رشته های (دامپروری- شیلات- طیور و ماکیان- خدمات و صنایع تبدیلی) شهرستان مرکز استان (گرگان) می رساند انتخابات اتحادیه صنفی مذکور در روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۸ از ساعت ۹ صبح الی ۱۳ ظهر در محل مراکز خدمات جهاد کشاورزی، مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان گرگان برگزار می گردد. لذا از جنابعالی دعوت می شود با در دست داشتن یکی از مدارک زیر در محل اخذ رای حاضر و نسبت به انتخاب هیئت مدیره و بازرس اتحادیه صنفی کشاورزی از بین داوطلبان واجد شرایط اعلام شده اقدام لازم بعمل آورید.

۱- اصل کارت ملی یا شناسنامه

۲- اصل پروانه کسب کشاورزی معتبر از نظام صنفی کشاورزی شهرستان

هیئت اجرایی برگزاری انتخابات اتحادیه صنفی کشاورزی شهرستان مرکز استان (گرگان)

کشمهر

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵

بچه‌های شیطان یا خط خطی؟



علی درزی - دبیر صفحه

چرا فیلم می‌بینیم؟

اجازه بدهید با نظریه روان‌شناختی که توسط آبراهام مازلو ارائه شده و نیازهای انسانی را در قالب یک هرم پنج‌لایه نشان می‌دهد شروع کنیم: این هرم بیان می‌کند که انسان‌ها برای رسیدن به خودشکوفایی، ابتدا باید نیازهای پایه‌ای‌ترشان را برطرف کنند. از پایین به بالا لایه‌های هرم عبارت‌اند از:

نیازهای فیزیولوژیکی: مثل غذا، آب، خواب، تنفس، سرپناه و...
نیاز به ایمنی: امنیت جانی، شغلی، سلامتی، منابع مالی، نظم و قانون
نیاز به عشق و تعلق: روابط عاطفی، دوستی، خانواده، تعلق به گروه

نیاز به احترام: عزت نفس، اعتماد به نفس، احترام دیگران، جایگاه اجتماعی
نیاز به خودشکوفایی:

تحقق استعدادها، خلاقیت، رشد فردی، معنا و هدف در زندگی مانند هر نظریه و تئوری روان‌شناختی، نظریه مازلو هم مورد نقد و تصحیح قرار گرفته. ولی می‌خواهم همین نظریه را با این نقد که ترتیب و اولویت نیاز یک انسان در این هرم، بسته به فرهنگ، جغرافیا و حکومت متغیر است را سنگ بنای این نقد قرار دهم. **فیلم دیدن برای انسان‌ها مختلف کجای این هرم قرار می‌گیرد؟**

بعد از نیاز فیزیولوژیکی و ایمنی وقتی که انسان به واسطه انسان بودنش تثبیت می‌شود و مورد آموزش‌های گوناگون خانوادگی اجتماعی قرار می‌گیرد، می‌تواند دغدغه‌ی فلسفی برایش شکل بگیرد، همان سوال کلیشه که اکثر قریب به اتفاق انسان‌ها با آن مواجه می‌شوند. **از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟**

در جوامع مدرن شهری با هر کیفیت و سطحی، در هر جهانی، اعم از جهان اول یا سوم، این دغدغه چیستی و کیستی! جزء پایه‌های هرم روان‌شناختی انسان قرار می‌گیرد. اینجاست که هنر، مذهب، فلسفه، علم، خرافه، روانشناسی این دغدغه را قلقلک می‌دهد و هر انسان به نوبه تربیت فردی و اجتماعی که دارد یک یا چندتا از این راه‌ها را برای شناخت خود و جهان‌ش انتخاب می‌کند. از عدم قطعیت علم تا باور قلبی اعتقادات مذهبی، حقیقت همواره یک مسیر است. این مسیر در جوامع پیشرفته، وقتی نیازهای اولیه (خوراک، پوشاک، مسکن، امنیت نسبت به حال و آینده) مانند وجود هوا برای تنفس سهل و مبرهن می‌شود، انسان از نوع مدرنش به سمت شکم سیری حرکت می‌کند تا حلی که مثلاً در هنر، موزی را به دیوار می‌چسباند یا در سطح اجتماعی تا همجنسگرایی یا برابری (به معنی غلط کلمه) حقوق زنان، عیان کردن تمایل‌های نامتعارف جنسی و غیره پیش می‌رود. جهان سومی که به واسطه سوشال مدیا نظاره‌گر این دغدغه‌هاست، به آتش شله قلمکاری تبدیل می‌شود که بیا و ببین. مرد یا زنی که بقای شغلی یا اسکان ماه آینده‌ش زیر سوال است، مرد یا زنی که هوای استانداری به واسطه سوزاندن مازوت برای تنفس ندارد، مرد یا زنی که هزینه درمانی ندارد با خودش می‌اندیشد که هویت جنسی‌اش چیست؟ گاهی زندگی همینقدر متناقض و مضحک می‌شود. در این مسیر که اولویت نیازهای هرم مازلو به طرز عجیبی مانند جورچین بهم ریخته به نظر می‌رسد هنر خودش را نمایان می‌کند. هنر فارغ از ذات بی‌هدفی‌اش به انسان کمک می‌کند تا یک انسان باشد. هنر در واقع شبیه‌ساز آموزش زیستی انسان است. چطور؟ با همذات پنداری‌اش و تخلیه‌ای که توسط هنر برایش رخ می‌دهد، می‌تواند زندگی‌های نزیسته‌اش را تجربه کند. پس برمی‌گردیم سراغ سوال اصلی، چرا فیلم می‌بینیم؟ فیلم می‌بینیم تا به خاطر انسان بودنمان، تجربه‌های زیستی دیگری را به واسطه جایگزینی با قهرمان‌ها

درک کنیم. اگر روی انسان بودن تاکید می‌کنم به این دلیل است که:

دغدغه‌های انسانی همواره ثابت است و فرقی نمی‌کند در جامعه محلی یکی از روستاهای دانمارک زندگی می‌کنید یا کردکوی، انسان پایه‌های (کهن الگوهای) مشترکی دارد. بعد از سال‌ها دوباره (دفعه چهارم یا پنجم) فیلم شکار اثر توماس وینتربرگ را دیدم. بسته به تغییرات شخصی‌ایی (چه خوب چه بد) که در این سال‌ها داشتم باز این فیلم برای من همان طراوت و تازگی اولیه را داشت، چون فیلم بر اساس پایه‌های انسان فارغ از مکان-زمان ساخته شده. دفعات اولی که فیلم را دیدم یاد هانکه افتادم. جناب هانکه در کنار سینمای آزارش، برای اولین بار در فیلم رویان سفید این تلنگر را به من زد که ضرب‌المثل‌ها چقدر می‌توانند اشتباه و با تبعات ویرانگر همراه باشند. حرف راست را از بچه بشنوا!

بچه‌ها معصومند!

بچه‌ها دروغ نمی‌گویند!

وقتی رویان سفید را دیدم این نظریه خوفناک به ذهنم رسید که:

بچه‌ها شیطانند.

این نظریه‌ی ساختار شکن، (ساختار شکن برای یک جهان سومی که با ضرب‌المثل‌ها و باورهای بزرگ شده که بچه را یک عنصر خالص و پاک می‌بیند). سال‌ها با فیلم‌های دیگر هانکه تقویت شد، خاک خورد تا اینکه دوباره فیلم شکار را دیدم. این نظریه شیطان بودن بچه‌ها، بسته به همان روند تغییر شخصی (چه خوب چه بد!) و اجتماعی به درک جدیدی از فیلم رسیدم. برای توضیح این نظر اول می‌خواهم به جمله معروف روانشناسانه‌ای ارجاع‌تان بدهم که می‌گوید: تربیت کودک تا شش سالگی کامل می‌شود و انگار مابقی عمر، خانواده و خود شخص به دنبال اصلاح کمبودهای این دوران است. البته این نظریه تربیت اصلی تا شش سالگی کودکان، علاوه بر روانشناسان به نویسندگان دیگری هم اطلاق می‌شود، ولی مهم اصل گفته‌ست، نه چه کسی گفته! در مراحل رشد روانی و جنسی کودک اگر قصوری رخ بدهد در آینده تبعات بسیار مخربی در پی خواهد داشت. کارگردان این ناآگاهی و تربیت اشتباه را نه در

بزرگسالی کودک بلکه به طرز هنرمندانه‌ای، انعکاسش را در همان جامعه در همان زمان به نمایش درمی‌آورد. بحران فیلم از جایی شروع می‌شود که دختر بچه تصمیم می‌گیرد دروغ بزرگی راجع به معلمش که دوست صمیمی پدرش است را به مدیر مهدکودکش بگوید. مگر بچه شیطان است که می‌تواند همچین دروغ شرپران‌های بگوید؟

بچه اگر شیطان است، به واسطه خط‌های تیره و زشتی‌ست که پدر، مادر، برادر بر لوح سفیدش کشیده‌اند.

دختر بچه چرا دروغ می‌گوید؟

بچه‌ها درک درستی از مفهوم ارزشی کلمات و رفتاری که متعاقباً انجام می‌دهند، ندارند. آن مفهومی را که ما عشق، دوست داشتن و علاقه، معصومیت می‌دانیم یقیناً با درک خود کودک از این معانی متفاوت است. کودک به درکی که خودش از این کلمات دارد، عاشق معلمش می‌شود و این عشقش را در بازی‌های کودکان‌اش، (بوسیدنش، دلوپسی برای مرگش، هدیه دادنش) ابراز می‌کند. به کلمه بازی دقت کنید، زبان کودکان بازی است. معلمش با یک عکس‌العمل کاملاً منطقی، کودک را متوجه اشتباهش می‌کند ولی، کودک در مقابله با این عکس‌العمل که پس زده شدنش معنی می‌شود، با لجبازی و دروغی که می‌گوید انتقام می‌گیرد. این گزاره انتقام و لجبازی شاید برای کسی که فیلم را ندیده، یک امر تقلبی جلوه کند و مخاطب با خودش بگوید: کودک چطور می‌تواند این چنین بزرگسالانه نقشه‌ای شرورانه بکشد. در صورتی که هنر کارگردان (هنرمند) همین جاست. وینتربرگ در بیست دقیقه اول فیلم با ظرافتی بی‌نقص بدرهای شناخت شخصیتی، رفتاری، تربیتی از کودک را در قصه می‌کارد و یکی یکی همه‌شان را به نحو احسن در آینده برداشت می‌کند. به لحاظ روانشناسی برای توجیه رفتار دختر بچه فقط همین یک عامل دعوای پدر و مادر (در فیلم به صورت شاخص نشان داده می‌شود، طوری که صدایشان تا سر خیابان می‌آید که برای رساندنش به مهد با هم دعوایشان شده) کافی‌ست، ولی کارگردان برای نشان دادن تنهایی دخترک چند عامل محرک دیگر را هم به ما نشان می‌دهد. گم شدن بچه در اولین برخورد دو شخصیت اصلی فیلم (گم کردن خطوط) نشان دادن تصویر مستهجن توسط برادر دختر، تنهایی‌اش در خانه و مهد ... همه این‌ها شخصیتش را به گونه‌ای می‌سازد تا با از دست دادن تنها عشقی که در ذهنش ساخته و پرداخته، از او انتقام سختی بگیرد و با لجبازی دروغ و برانگیزی را می‌سازد. دروغی که آغاز بحران‌های حاد فیلم برای شخصیت اصلی‌ست. بعد از دروغ دخترک، لایه‌های دیگری از فیلم بالا می‌آید، با این اعوجاجی که دخترک در برهه‌ی آرام جهان فیلم ایجاد می‌کند، چنان تلاطم و گردبادی در زندگی شخصیت ایجاد می‌کند که حقایق وحشتناکی از جامعه را برآیمان آشکار می‌سازد. یکی از این حقایق، قضاوت است، قضاوتی که بر اساس یک دروغ بنا می‌شود و با یک منطق (جهانی) پا می‌گیرد، آن هم چیزی نیست جز حرف‌هایی از این قبیل: اون بچه‌ست و نمیتونه دروغ بگه بچه من دروغ نمیکه

و ...

تحلیل بعد اجتماعی فیلم را به عهده شما مخاطب عزیز می‌گذارم.

این فیلم جای خالی یک قانون نانوشته را برای مخاطب گوشزد می‌کند:

هر زن و مردی به واسطه خانواده شدنشان، استحقاق بچه‌دار شدن دارند؟ نقش جامعه و حکومت در قبال خانواده چیست؟ جامعه و حکومتی که در یک لوپ معیوب، توسط همین خانواده‌ی ناآگاه به وجود آورده می‌شود.



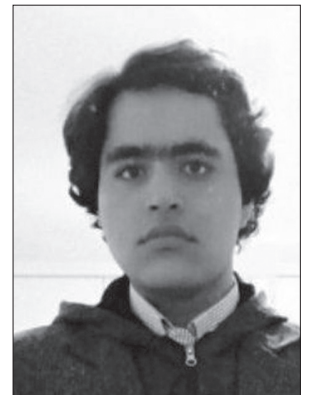


درباره فیلم‌ها

و پرداخته وجود داشته باشند و بعد با یک حادثه ی محرک، خود این اشخاص به خلق داستان دست بزنند؟ داستان راجع دختری است که لپتاپش دزدیده شده و حالا برای کارهای هنری اش نیازمند یک لپتاپ دیگرست، و زمین برود به آسمان و آسمان برود به زمین، ایشان لپتاپش را میخواهد. آنقدر هم آدم خوبی است که حاضرست برای جورکردن پول خرید لپتاپ، از موهایش بزند و آنها را بفروشد. البته این فروش مو و خریدن، هیچ ربطی به رسیدن به تملک مادی از قِبَلِ مو و زنانگی ندارد. هیچ تصویری و نمادی ازین امر درش نیست که فلان دختر برای درآوردن خرج خودش در یک مکان مستبدانه، دست به ازخودگذشتگی بزند و کوهی از تار مو را، به دار پول قیچی کند. از آن سو نمایش دو طبقه ی مثلاً فقیر و غنی، آنقدر کلیشه ای است که هیچکسی بخواند برایش تره خرد کند بس که مضحک و توخالی است و فقط بذر نفرت میکارند از رفتارهای فقیر در مقابل غنی. غنی هم که مظلومه ی فیلم است، کسی است که بهش ظلم شده، اما خب ظاهرش اتو کشیده است، کسی است که حواسش بوده به حال تک تک ما فقرا و لباس های حیض اش را به سرعت هیزی پرت میکرده تو بغل یک خیریه. برسد به دست آنان که ندارند و ثوابی باشد برای ما آن دنیا و آخرت را. البته معلوم نیست چطور این دخترخانم پولدار، که لپتاپش خراب شده، در راه برگشت از تعمیراتی سیستمش، با پای پیاده می رفته به خانه و به پاهای نازش فشار می آورده، تا از آن سو آن پسری که فقیرست و برادرست و رگ غیرتش زده بالا، برود و چاقو را بزند در آن بدن پاک و مصفا. تا این دختر برود توی کما. و لپتاپ را بیاورد خانه و بدهد به دست رها. و اصلا معلوم هم نیست درین بین چطور میشود یک لپتاپ را پدر بدهد به تعمیراتی و بیاورد خانه، و یک لپتاپ را پسر بیاورد به خانه، و هیچکدام هم شک نکنند که چرا دوتا لپتاپ آمده تو خانه در انتها هم اگر جایی دارای اشکال بود حتی برای سازندگان، از قدرت فلاش بک استفاده می کنند برای ببینندگان. بعد با فلاش بک هایی که توش کنی بوده است، ابهام را در داستان ببرند بالا، تا رها کنند فیلم را در مغز مخاطبان، بعد از انتهایش؟ انتها... انتهای الکی، انتهای الکی... الکی الکی الکی.

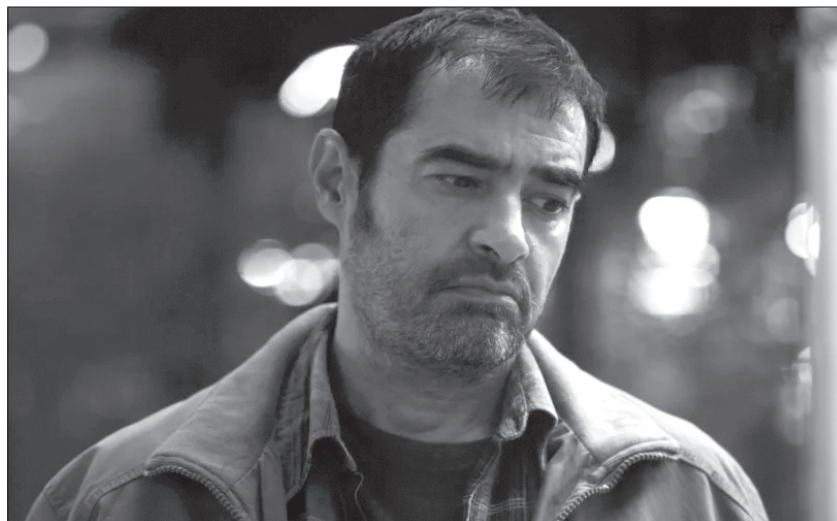
و سکانس های داستان نیست؟ اگر داستان با دید سوم شخص قرارست برود جلو، پس چرا ادا-اصول فرهادی گونه در میآورد سر پایان بنای؟ چرا هیچکدام از شخصیت ها برای خودشان تمایز ندارند؟ اینکه حسینی راننده ی قطار بوده در مترو و یک دختر جلوش خودکشی کرده یا نکرده، چه تاثیری دارد رو روحیه ی تکدی گر و سطحی او؟ چرا زنش همچو رفتاری دارد؟ و چرا پسرشان می تواند یک آدم را با چاقو بزند بدون نشان دادن اینکه این پسر کیست و چیست؟ این نقش کمرنگ و تماما محدود پسر، به گونه ای است که در اواخر فیلم من فکر می کردم اصلا چرا یک شخصیت پسر-برادر در فیلم داریم؟ بودنش به چه کاری میآید؟ و بعد اما می توان پرسید که اگر کار پسر را پدر انجام نداده است، به این دلیل نبوده که فقط وجهه ی پوشالی پدر حفظ شود؟ و آن هم چه پدری؟ پدری که با خشمی متجاوزانه، حاضرست دختر دیگری را به جرم نکرده ی نداشتن وجدان اخلاقی زیر یوغ فریادش بگیرد؟ و با قیچی به او حمله کند؟ تمامی سوال اینست: چه محرک ها و انگیزه هایی پدر و مادر و پسر را و حتی رها را به اینگونه از رفتارها سوق میدهد و سوقش به حلی است که به عمل کردن منجر میشود... آیا بهتر نیست که شخصیت هایی ساخته

من فقط تصویر شهاب حسینی را دیدم و تصور کردم به مانند باقی فیلم های خوب دیگری که دارد این یکی هم از آن قبلی ها بویی برده و حتی اگر خوب نباشد، باز جالب است. اما در جای-جایی از فیلم، این شماپید رویروی حسینی، که حتی بازی اش هم برایتان مسخره است و تصنعی و سطحی. زمانی یک داستان معمولی با بازی یک بازیگر با بازی عالی، تبدیل میشود به فیلمی جذاب در سطح خوبی. فیلم سوار میشود بر بازیگر. بازیگر هم می تواند نماینده ی شخصیت داستانی بشود یا نشود. زمانی دیگر عکس این قضیه است. داستان و شخصیت خوب، و بازی-بازیگر عادی یا بد. که بار فیلم با داستان است. حتی می توانید این موارد را با نئورئالیسم ایتالیایی هم مقایسه کنید. اما زمانی دیگر - که باز عکس این مورد هم وجود دارد - بازی بد ترکیب می شود با داستان بد. شاید مسخره باشد که به شکلی عوامانه داستان را به دو دسته ی خوب و بد تقسیم کنیم. می شود برای هرکدام از بدبودن یا خوب بودن تعریف چید و مصداق و معیار مشخص کرد. به عنوان مثال، اگر رها فیلمی است بد و بازی حسینی بازیست بدتر، به چه خاطرست؟ رها اگر داستان شخصیت محور است و قرارست رها محور داستان باشد، پس چرا رها در غالب صحنه ها



محمد صالح فصیحی

شاید اگر از همان ابتدا نگاه دیگری داشتیم به این نقد یادداشت ها، هم این متون متفاوت بود و هم شاید در همین متن حاضر و الان، چنین چیزهایی نوشته نمی شد. چیزهایی ازین دست که چندوقتی است نوشته ام و از نوشتن دور افتاده ام انگار که از تاب و توان و نفس، و ایضا وطن. با بهانه و بی بهانه، نشده آنطور که باید می شده است و نوشتنم به کلی افتاده به کناری. به شکلی که فیلم هم می بینم و نقد و یادداشتی در نمی آید ازش، نه که نخواهم بنویسم، وقت نوشتن نمی آید و توان نوشتن. شاید هم به مرور طبق حرف اطرافیانم دارم افسردگی را در آغوش می گیرم تا ته. اما «من افسرده نیستم این واقعیت ها غرق کرده قایق بی پاروی من رو تا ته.» شده ام یک زخم که افتاده به کناری تا شاید در زمانی خوب شود به تنهایی. فارغ و غافل ازین که چرک شاعرانه ام، به سبک جوش. بی جوش و بی خروش و جوش و شور و خروش، همان نوشتن است. بگذریم از همه اش. بهانه فیلم است و رهاست. فیلم رها، که چند هفته ی پیش دیدمش رو پرده من. رها را نه توضیحات مسخره ی سایتی مثل سینماتیکیت، نه جوابی که برده، نه اسم و رسم کارگردان و نویسنده - که هیچ خبری ندارم ازش من - من را به دیدنش کشاند.



حکیم جرجانی افتخار گلستان

در گلستان، دیاری که از دیرباز مهد پرورش عالمان، شاعران و حکیمان بوده، شخصیتی برجسته در قرن ششم هجری ظهور کرد که نه تنها طب اسلامی را متحول ساخت، بلکه با قلم و اندیشه‌اش به غنای فرهنگ و زبان پارسی خدمت کرد. به گزارش ایرنا، سیداسماعیل جرجانی، پزشکی از خطه جرجان (گرگان امروزی)، با تألیف شاهکارهایی چون «ذخیره خوارزمشاهی»، نامی جاودان در تاریخ علم و ادب ایران بر جای گذاشت. گلستان، این سرزمین کهن، با پیشینه‌ای درخشان در پرورش علما و دانشمندان، بار دیگر با جرجانی به اوج افتخار رسید و نشان داد که چگونه خاک این دیار، بستری برای شکوفایی علم و حکمت بوده است. حکیم جرجانی، بزرگ‌ترین پزشک قرن ششم هجری، بنیان‌گذار علوم آزمایشگاهی و اولین پزشکی بود که علائم بیماری‌های تومور غشای نازک و سخت مغزی را توصیف کرد. وی با تسلط بر علوم گوناگون از جمله طب، داروسازی، فلسفه، عرفان، ادبیات و علوم دینی، به یکی از برجسته‌ترین چهره‌های دوران خوارزمشاهیان بدل شد. جرجانی پس از فراگیری دانش نزد شاگردان ابن‌سینا در گرگان، به شهرهایی چون نیشابور، اصفهان، خوارزم و مرو سفر کرد و در دربار خوارزمشاهیان به‌عنوان پزشکی برجسته خدمت نمود. مهم‌ترین اثر جرجانی، ذخیره خوارزمشاهی، اولین دایره‌المعارف پزشکی به زبان فارسی است که در ۱۰ جلد نگاشته شد. این کتاب، که پس از «قانون» ابن‌سینا معتبرترین اثر پزشکی زمان خود بود، به زبان‌های اردو،



عبری و ترکی ترجمه شد و به دلیل نثر فاخر و روانش، از سوی علامه دهخدا «شاهکاری بی‌نظیر در نثر پارسی» لقب گرفت. ذخیره نه تنها دانش پزشکی را به زبانی ساده و قابل فهم ارائه کرد، بلکه با به کارگیری واژگان پارسی، گامی بزرگ در راستای غنی‌سازی زبان فارسی برداشت. جرجانی در این اثر، با استناد به منابع متنوع از بقراط و رازی تا طبیبان هندی و سریانی، نشان داد که چگونه می‌توان دانش جهانی را با فرهنگ ایرانی درآمیخت. او با ابداع روش‌های آزمایشگاهی نوین و توصیف بیماری‌هایی که پیش‌تر ناشناخته بودند، پزشکی را به سطحی جدید ارتقا داد. جرجانی به درخواست علاءالدین اتسز، خلاصه‌ای از ذخیره را با نام «حفی علایی» نگاشت که به دلیل حجم کم، به گونه‌ای طراحی شده بود که پادشاه بتواند آن را در چکمه‌اش حمل کند. این اثر، نمونه‌ای از نبوغ جرجانی در تطبیق دانش با نیازهای زمانه بود. همچنین، کتاب «الأغراض الطبیبه

و افزودن نوآوری‌های خود، پزشکی اسلامی را به اوج رساند. تألیفات او که ترکیبی از دانش و ادب پارسی بودند، نشان‌دهنده عمق اندیشه و تعهد او به فرهنگ ایرانی است. جرجانی را می‌توان ادامه‌دهنده راه برزویه، طبیب ساسانی، دانست که همانند فردوسی و سهروردی به احیای فرهنگ و هویت ایرانی کمک کرد.

پاسداشت حکیم در ایران و گلستان
برای گرامیداشت این حکیم بزرگ، اقدامات فرهنگی و علمی متعددی در ایران و به‌ویژه گلستان انجام شده است. از نامگذاری ۳۰ فروردین، زادروز جرجانی، به‌عنوان روز علوم آزمایشگاهی تا ساخت تندیس، تأسیس مؤسسات آموزشی و بیمارستانی به نام وی، همگی نشان‌دهنده ارجمند کردن مقام این پزشک نامدار است. دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز جایزه معتبر خود را به نام جرجانی نامگذاری کرده است. برگزاری همایش‌های ملی و بین‌المللی و انتشار فصلنامه علمی پژوهشی در گلستان، گام‌هایی برای معرفی بهتر این ستاره درخشان تاریخ پزشکی ایران بوده است. حکیم جرجانی، با آثار بی‌بدیل خود، نه تنها پزشکی را در جهان اسلام ارتقا داد، بلکه با قلم پارسی‌اش، به زبان و فرهنگ ایران خدمت کرد. گلستان، این سرزمین کهن، با پرورش چنین بزرگان، نشان داده است که همواره خاستگاه علم، حکمت و فرهنگ بوده است. توجه به مفاخر این دیار، از جمله جرجانی، و نشر آثارشان، راهی است برای پیوند نسل جوان با تاریخ غنی و پرافتخار ایران.



کارگروه صدای مردم در گلستان کلید خورد



معاون سیاسی امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان با اشاره به شعار دولت دکتر پزشکیان مبنی بر شنیدن صدای بی‌صلایان و اعلام آغاز فعالیت کارگروه «صدای ملت» گفت: این کارگروه بستری برای هدایت مشکلات مردم به مسیر حل آن‌ها فراهم می‌کند. به گزارش روابط عمومی، محمد حمیدی در اولین جلسه استانی کارگروه صدای مردم بیان کرد: از طریق این کارگروه، مسائل قابل حل در استان رسیدگی شده و موضوعات پیچیده‌تر به کارگروه ملی ارجاع خواهد شد. وی بیان کرد: نارضایتی مردم اغلب ناشی از عدم پاسخگویی مدیران است نه وجود مشکلات که در این راستا مدیران باید با شفافیت و روی گشاده با مردم گفت‌وگو کرده و دلایل عدم حل برخی مسائل را توضیح دهند تا اعتماد عمومی تقویت شود. معاون سیاسی امنیتی و اجتماعی استاندار افزود: اداره کل بازرسی و رسیدگی به شکایات استانداری موظف است تجمعات اعتراضی را ریشه‌یابی کرده و پاسخ‌های دستگاه‌ها را ارزیابی کند. حمیدی گفت: همچنین دریافت پیشنهادات نخبگان و جامعه دانشگاهی از دیگر وظایف این کارگروه است که به بهبود امور کمک خواهد کرد. وی با اشاره به ضرورت ارتباط مستقیم مدیران با مردم افزود: مدیران باید با صبر و شفافیت، مردم را قانع کنند، نه اینکه آن‌ها را از خود برانند.

«»

آخر هفته‌ای گرم و کم‌بارش در راه گلستان

اداره کل هواشناسی گلستان از وضعیت نسبتاً پایدار جوی و افزایش چند درجه‌ای دمای هوا برای گلستانی‌ها، خبر داد. به گزارش روابط عمومی، امان محمد کمالی اظهار کرد: وضعیت جوی استان تا پایان هفته نسبتاً پایدار خواهد بود و تنها در ساعات بعدازظهر و عصر افزایش ابر و احتمال ناپایداری‌ها در برخی مناطق پیش‌بینی می‌شود. وی بیان کرد: امروز سه‌شنبه، بارش متراکم باران در مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای استان دور از انتظار نیست و روند افزایشی دما تا پایان هفته ادامه دارد.

«»

مرکز شیمی درمانی سربابی بیماران سرطانی راه‌اندازی می‌شود

رئیس شبکه بهداشت شهرستان علی‌آباد کنترل گفت: با همت خیرین سلامت شهرستان مرکز شیمی درمانی بیماران سرطانی در خردادماه تجهیز و راه‌اندازی خواهد شد. به گزارش روابط عمومی، حجت دلیملی اظهار کرد: این مرکز سرطانی در کلینیک تخصصی قائم‌علی‌آباد کنترل با اعتبار ۳۰ میلیارد ریالی راه‌اندازی می‌شود که ۹۵ درصد آن توسط خیرین تأمین شده است و خدمات ویژه‌ای به بیماران سرطانی خواهد داد..

بررسی چالش‌های پیش‌روی میراث تاریخی پرداخت. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان با اشاره به نقش دانشگاه‌ها در تربیت نسل آگاه و متعهد به حفاظت از میراث فرهنگی، گفت: میراث فرهنگی، ستون هویت و تمدن ماست و حفاظت از آن وظیفه‌ای همگانی است، نه صرفاً مسئولیت یک سازمان. فریدون فعالی افزود: بدون ارتقای سواد میراثی در جامعه، حفاظت پایدار از این گنجینه‌ها غیرممکن است. وی بر لزوم آموزش فراگیر تأکید کرد و گفت: از دانش‌آموزان تا جوامع محلی، همه باید با ارزش آثار تاریخی آشنا شوند و فرهنگ مراقبت از آن‌ها نهادینه شود. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان همچنین خواستار مشارکت بخش خصوصی و خیران در تأمین منابع مالی برای حفاظت از بناهای تاریخی شد و خاطرنشان کرد: انتظار تأمین همه منابع از دولت غیرواقع‌بینانه است. شرکت‌های خصوصی و خیران می‌توانند با ایفای مسئولیت اجتماعی، نقشی کلیدی در این حوزه ایفا کنند. معاون پژوهشی دانشگاه گلستان هم با اشاره به تهدیدات روزافزون میراث فرهنگی از جمله تغییرات اقلیمی، بلایای طبیعی و آسیب‌های انسانی نظیر جنگ و افراط‌گرایی، گفت: آثار تاریخی، روح هویت فرهنگی هر ملت هستند و حفاظت از آن‌ها نیازمند آمادگی و آگاهی جمعی است. محمد فرخ‌زاد نبود آگاهی را یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها دانست و افزود: جامعه دانشگاهی با تخصص و تعهد خود می‌تواند پیشگام انتقال دانش و فرهنگ‌سازی باشد. وی همچنین از برنامه‌ریزی برای برگزاری همایش ملی «تمدن، هنر

سواد میراثی کلید حفاظت از گنجینه‌های تاریخی



در نشست تخصصی روز جهانی بناها و محوطه‌های تاریخی، ضرورت ارتقای سواد میراثی و نقش محوری دانشگاه‌ها در حفاظت از میراث فرهنگی مورد تأکید قرار گرفت. به گزارش ایرنا، این رویداد با حضور فریدون فعالی، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان، محمد فرخ‌زاد، معاون پژوهشی دانشگاه گلستان و جمعی از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان برگزار شد و با محوریت شعار جهانی ایکوموس، «میراث در معرض تهدید: آمادگی و یادگیری در برابر بلایا و درگیری‌ها»، به

خبر

گلستان در قعر جدول تخت‌های بیمارستانی



رییس دانشگاه علوم پزشکی گلستان اعلام کرد که این استان با کمبود ۲ هزار تخت بیمارستانی مواجه است و از نظر تعداد تخت‌های بیمارستانی در میان هشت استان آخر کشور قرار دارد. به گزارش روابط عمومی، محسن ابراهیمی اظهار کرد: مدیریت جدید دانشگاه علوم پزشکی گلستان طرح‌های زیرساختی درمانی را برای کاهش کمبود تخت‌های بیمارستانی در شهرستان‌های استان آغاز کرده که پروژه‌هایی مانند ساخت بیمارستان جلین، بیمارستان جایگزین طالقانی گرگان و بیمارستان رامیان از جمله طرح‌های در دست اجرا هستند. وی با اشاره به قدمت بیش از ۴۰ ساله اکثر بیمارستان‌های گلستان، بر ضرورت بهسازی این مراکز تأکید کرد و گفت: اورژانس‌های بندرترکم، کردکوی و مینودشت در اولویت بازسازی قرار دارند. بر اساس آمار رسمی، در حال حاضر سه هزار و ۳۱۷ تخت بیمارستانی در گلستان وجود دارد. ابراهیمی همچنین از تخصیص هزار و ۶۰ میلیارد ریال اعتبار طی ۶ ماه گذشته برای تأمین تجهیزات پزشکی خبر داد و افزود: علاوه بر این، سه میلیون دلار برای استقرار شتاب‌دهنده خطی در بیمارستان ۵ آذر تأمین شده است. وی همچنین از تأمین تجهیزات پیشرفته‌ای نظیر دستگاه‌های چشم‌پزشکی، اکو، سونوگرافی و ... برای بیمارستان‌های کردکوی، بندرگز، بندرترکم و کلاله در سال جاری خبر داد. رییس دانشگاه علوم پزشکی گلستان در حوزه آموزش نیز به کمبود فضای آموزشی اشاره کرد و گفت: در حال حاضر ۱۰ هکتار فضای آموزشی برای تربیت نیروی انسانی متخصص در اختیار داریم. وی افزود: سه هزار و ۷۰۰ دانشجو در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند و ۲۵۰ دانشجوی خارجی نیز در دانشگاه بین‌المللی حضور دارند. ابراهیمی بر لزوم گسترش فضای آموزشی، جذب دانشجویان بیشتر و افزایش رشته‌های تحصیلی تأکید کرد. وی همچنین از برنامه‌ریزی برای تبدیل بیمارستان‌های کردکوی، علی‌آبادکتول، گنبدکاووس و مینودشت به مراکز آموزشی خبر داد و گفت: این بیمارستان‌ها در اولویت طرح‌های آموزشی قرار دارند.

گلستان قطب چغندر قند ایران

کارخانه‌های قند جوین، شیروان و شیرین خراسان با ارائه خدماتی جامع، از تأمین بذر، کود و سم گرفته تا آماده‌سازی زمین و خرید تضمینی محصول، دل کشاورزان را به دست آورده‌اند



تا ۱۲۰ تن محصول در هکتار تنها با استفاده از آب سبز، تأکید کرد: گلستان می‌تواند با گسترش این زراعت، ۱.۲ میلیون تن چغندر قند تولید کند. احداث کارخانه قند با سرمایه‌گذاری ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار میلیارد ریال، ایران را ظرف دو تا سه سال از واردات ۵۰۰ میلیون دلاری شکر بی‌نیاز خواهد کرد. معاون زراعت وزیر جهاد کشاورزی افزود: ویژگی‌های این زراعت، از اصلاح خاک و تناوب زراعی گرفته تا تأمین علوفه دامی و عملکرد بالا، گلستان را به گزینه‌ای بی‌رقیب برای سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است. سفر سه‌روزه اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس به گلستان در اواخر فروردین ۱۴۰۴، فرصتی طلایی برای تحقق این رویاست. این بازدید، می‌تواند توجه سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران را به ظرفیت‌های بی‌حد کشاورزی گلستان و نیاز مبرم آن به صنایع تبدیلی جلب کند. ایجاد کارخانه قند، نه تنها از خام‌فروشی جلوگیری می‌کند، بلکه با خلق ارزش افزوده، اشتغال‌زایی و تقویت امنیت غذایی، جایگاه گلستان را در اقتصاد ملی تثبیت خواهد کرد. زمین‌های مستعد گلستان، به‌ویژه در مناطق میانی و شمالی، آماده‌اند تا ۱۰ درصد از ۱۵۰ هزار هکتار گندم آبی منطقه را به چغندر قند پاییز اختصاص دهند. این تغییر، با صرفه‌جویی در مصرف آب، بهبود حاصلخیزی خاک و تولید علوفه دامی، آینده‌ای پایدار را برای کشاورزی منطقه رقم خواهد زد. زراعت پاییزه چغندر قند، فراتر از یک محصول، نمادی از خودباوری و نوآوری است که می‌تواند گلستان را به پیشگام کشاورزی مدرن ایران تبدیل کند.

کارخانه‌ها، شامل دو کیلوگرم شکر و ۲۰ کیلوگرم تغاله رایگان به ازای هر تن محصول، انگیزه او و دیگر بهره‌برداران را دوچندان کرده است. با این حال، سایه‌ای از چالش بر این موفقیت‌ها افتاده است: خام‌فروشی. نبود کارخانه قند در گلستان، تمام محصول تولیدی را راهی واحدهای فرآوری در استان‌های خراسان رضوی، شمالی و سمنان می‌کند. مختار مهاجر، رئیس سابق جهاد کشاورزی گلستان، با اطمینان گفت: این استان می‌تواند سالانه ۲۰ هزار هکتار چغندر قند کشت کند و ۱.۴ میلیون تن محصول تولید نماید. وی بیان کرد: ایجاد کارخانه قند، نه تنها خام‌فروشی را متوقف می‌کند، بلکه با تولید ۸۰۰ هزار تن علوفه دامی، صرفه‌جویی در آب و ایجاد اشتغال، گلستان را به الگویی برای کشاورزی پایدار بدل خواهد کرد. علیرضا مهاجر، معاون زراعت وزیر جهاد کشاورزی، نیز این چشم‌انداز را تأیید می‌کند. وی در نشست اخیر کمیسیون کشاورزی مجلس در گرگان، با اشاره به تولید ۸۰

چرا کارخانه قند ضروری است؟ گلستان با زمین‌های سخاوتمند و باران‌های زندگی‌بخش، بستری بی‌نظیر برای زراعتی نوین فراهم کرده که در این میان، چغندر قند پاییزه به‌عنوان ستاره‌ای درخشان، نه تنها راهی برای خودکفایی در تولید شکر گشوده، بلکه با تکیه بر طبیعت، آینده‌ای سبز را برای کشاورزان و اقتصاد منطقه نوید می‌دهد. به گزارش ایرنا، وقتی نسیم خنک پاییز بر مزارع گلستان می‌وزد، دانه‌های چغندر قند در خاک حاصلخیز این سرزمین سبز، ریشه می‌دانند و قصه‌ای از امید و پایداری را روایت می‌کنند اما این مسیر درخشان، با چالش‌هایی روبه‌روست که تنها با همت جمعی و سرمایه‌گذاری هوشمندانه می‌توان آن را به مقصد رساند. زراعت پاییزه چغندر قند در گلستان، داستان هماهنگی انسان و طبیعت است. برخلاف کشت تابستانه که برای هر هکتار ۱۴ تا ۱۵ هزار مترمکعب آب طلب می‌کند، این زراعت با تکیه بر آب سبز (بارندگی‌های فصلی) نیاز آبی خود را تأمین می‌کند. حتی در سال‌های کم‌باران، تنها دو نوبت آبیاری با حداکثر سه هزار مترمکعب آب کافی است. این ویژگی، چغندر قند پاییزه را به گزینه‌ای ایده‌آل برای کشاورزی پایدار در گلستان تبدیل کرده و نگرانی‌های مصرف آب را به حداقل رسانده است. علی موسی‌خانی رییس اداره پنبه و دانه‌های روغنی جهاد کشاورزی گلستان معتقد است: کشت قراردادی، کلید موفقیت این زراعت است. کارخانه‌های قند جوین، شیروان و شیرین خراسان با ارائه خدماتی جامع، از تأمین بذر، کود و سم گرفته تا آماده‌سازی زمین و خرید

تخفیف ۱۷ میلیارد تومانی در قبوض برای مددجویان گلستان

مدیرکل کمیته امداد گلستان از بهره‌مندی بیش از ۱۱۳ هزار خانواده تحت حمایت این نهاد از تخفیفات قبوض آب، برق و گاز در سال گذشته خبر داد و گفت: ارزش این تخفیف‌ها به بیش از ۱۷ میلیارد تومان رسید. به گزارش روابط عمومی، عیسی بابائی با اشاره به حمایت دولت از اقشار کم‌درآمد و خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی، اظهار کرد: بر اساس آئین‌نامه اجرایی بند «ی» تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۰، خانوارهای کم‌مصرف تحت حمایت کمیته امداد و سازمان بهزیستی در بخش برق، در سقف ۵۰ درصد الگوی مصرف، بهای مصرفی پرداخت نمی‌کنند. همچنین در بخش آب نیز، مشترکین خانگی با مصرف تا یک سوم الگوی تعیین‌شده

از تخفیف ۱۰۰ درصدی برخوردار می‌شوند. وی افزود: در سال ۱۴۰۳، مجموعاً ۱۱۳ هزار و ۴۸۹ خانوار تحت حمایت کمیته امداد استان گلستان از این تخفیفات بهره‌مند شدند که مجموع ارزش این تخفیف‌ها ۱۷ میلیارد و ۱۶۶ میلیون تومان بوده است. بابائی در ادامه اظهار کرد: از این تعداد، ۲۱ هزار و ۴۳۵ خانوار از تخفیف در هزینه‌های آب، ۵۲ هزار و ۳۳۳ خانوار از تخفیف برق، و ۳۹ هزار و ۷۲۱ خانوار از تخفیف در قبوض گاز بهره‌مند شده‌اند. مدیرکل کمیته امداد گلستان گفت: این حمایت‌ها در راستای کاهش هزینه‌های زندگی خانواده‌های نیازمند و توانمندسازی اقتصادی آن‌ها صورت می‌گیرد و همچنان تداوم خواهد داشت.